

## واکاوی نماد «حوت» در قرآن در ابعاد عرفانی و اخلاقی آن

علی کریمپور قراملکی\*

### چکیده

«حوت» یکی از تصویرهای مطرح خداوند در آیات مختلف قرآن، مانند آیات ۶۱ و ۶۳ سوره کهف، ۱۶۳ سوره اعراف، ۱۴۲ سوره صافات و ۴۸ سوره قلم است. آگاهی از مقام و موقعیت حوت در داستان حضرت موسی (ع)، حضرت خضر (ع) و حضرت یونس (ع)، می‌تواند برای هر قرآن‌پژوهی دارای اهمیت باشد. شناخت ابعاد عرفانی و معنوی آن، از اهداف پژوهش در این نوشتار است. یافته‌های تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به شیوه درک عمق معنایی آیات، نشانگر این حقیقت مهم است که واژه «حوت» در منظر قرآن، تنها تصویر حیوان ظاهری نیست بلکه نشانه و سمبل معنایی معنوی و عمیق عرفانی و اخلاقی است که هر مخاطبی را در مراتب مختلف آن، به سوی خود جذب و جلب می‌کند؛ در نتیجه، ذکر ماهی در قرآن کریم، برای ایجاد ارتباط و انس با خداوند و امتداد و گسترش درک و فهم انسان از عالم حس تا دنیای ناشناخته جان و دل انسان بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: حوت، نون، ماهی، حضرت یونس (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت خضر (ع).

## ۱. طرح مسئله

ذکر واژگانی همچون «حوت، حیتان و نون» در قرآن کریم، در کنار کاربرد تعداد دیگری از حیوانات بی دلیل نیست. طرح حوت و نون در داستان زندگی جناب حضرت یونس(ع) یا در حکایت جناب حضرت موسی و یوشع بن نون(ع) در جریان دیدار با حضرت خضر(ع) حائز اهمیت است. اینکه به چه دلیلی، خداوند از این حیوان در تنبه و هدایت حضرت یونس و یا به عنوان غذای مورد استفاده در مسیر شرفیابی شاگرد به خدمت استاد و نیز هشدار به پیامبر اکرم(ص) در مشابَهت به «صاحب الحوت» بهره گرفته است، می تواند برای هر مخاطبی جای پرسش باشد که بهره گیری از حوت در این سه مورد، چه مقام و موقعیتی می تواند داشته باشد؛ به خصوص از این رو که برخی از اهل لغت بیان داشته اند کلمه حوت، بیشتر در معنای نهنگ به کار می رود و طبق این معنا، چگونه حمل این نهنگ توسط یوشع بن نون امکان پذیر بود؟ نوشتار کنونی، درصدد پاسخ به این نوع سؤالات است تا جایگاه معنوی و اخلاقی حوت در قرآن کریم، بیش از پیش معلوم گردد.

## ۲. پیشینه بحث

درباره معناشناسی واژگان قرآن کریم از جانب اهل لغت و قرآن پژوهان، آثار متعددی به نگارش درآمده است که کتب لغت و کتاب هایی با عناوین مفردات قرآن، از جمله آنها به شمار می آید؛ لکن مقاله کنونی با این موضوع و نگرش خاص، پیشینه مستقلى ندارد هرچند درباره نماد ماهی، مقالات متعددی نگارش یافته است که برخی از آنها عبارت اند از: کتاب های پژوهشی در قصه یونس و ماهی (ستاری، ۱۳۷۹)، بحر در کوزه، نقد و تفسیر قصه ها و تمثیلات مثنوی (زرین کوب، ۱۳۶۶) و مقالات «ماهی و قرآن» (همتی، ۱۴۰۰)، «بازیابی و بررسی پی رفته های قصه یونس و ماهی براساس قرآن و روایات اسلامی» (گرامی، ۱۳۹۸)، «تحلیل ماهی، یک نماد معنوی در مثنوی مولوی» (گلی زاده و همکاران، ۱۳۹۴)، «تطبیق مفهومی نماد ماهی در اساطیر، قرآن و مثنوی معنوی و کاربرد آن در آثار هنری» (نیکوئی و همکاران، ۱۳۹۸)، «مطالعه روان

انسان در پرتو داستان‌ها و آیات قرآن» (غباری بناب و نصرتی، ۱۳۹۷)، «نمادهای جاندار در قرآن» (رشیدی، ۱۳۹۲).

همان‌گونه که پیداست آثار نام‌برده موضوع حوت و ماهی را از ابعاد عرفانی و اخلاقی با رویکرد قرآنی مورد بررسی قرار نداده‌اند. امتیاز و مزیت عنوان کنونی، در نوآورانه بودن بحث فعلی از نگاه قرآنی با توجه بر ارائه ابعاد عرفانی و اخلاقی آن است.

### ۳. مفهوم‌شناسی واژه حوت

کلمه «حوت» در لغت، براساس گفته اهل لغت، به معنای مطلق ماهی است که هم کوچک‌ها را شامل می‌شود و هم بزرگ‌ترها را که در زبان فارسی، نهنگ و وال گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۲۸۲؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۳: ۴۱). جمع حوت، واژه «حیتان و احوات» است که در آیه «وَسُئِلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (اعراف: ۱۶۳) ذکر شده است. در این آیه شریفه، کلمه حوت به معنای ماهی کوچک و معمولی است. به نظر غالب مفسران، کلمه مذکور در آیه «فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا» (کهف: ۶۱) نیز به همان معنای ماهی معمولی و کوچک است. در مقابل، به نظر برخی از اهل لغت، واژه حوت، معنای معروف دارد و آن، همان معنای نهنگ و ماهی بزرگ است (فیومی، ۱۳۹۷، ج ۲: ۱۵۵).

کلمه «نون» هم به معنای ماهی مطلق یا نهنگ و وال است که جمعش، «انوان یا نینان» می‌آید (فراهیدی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۳۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۴۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۸۳۰). برای نمونه، حضرت علی (ع) در خطبه خود فرمودند: «يَعْلَمُ عَجِيجَ الْوُحُوشِ فِي الْفُلُوتِ ... وَ اخْتِلَافِ النِّينَانِ فِي الْبَحَارِ الْغَامِرَاتِ: خدا، به صدا و زوزه حیوانات وحشی در بیابان‌ها و به رفت‌وآمد ماهی‌ها در دریا‌های ژرف بیکران، آگاه است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۶). کلمه «نینان» در این فرمایش امیرالمؤمنین علی (ع) جمع نون است که در معنای مطلق ماهی‌های بزرگ و کوچک به کار رفته

است و اشاره دارد بر اینکه علم خداوند، از نوع علم مطلق و ذاتی است؛ چراکه خلقت جهان آفرینش به دست اوست.

از آنچه بیان شد، نتیجه گرفته می‌شود که کلمه «حوت» در قرآن کریم، در دو معنای ماهی بزرگ و کوچک استعمال شده است و تنها با توجه بر قراین داخلی و خارجی همچون سیاق و قابل خوردن که در جریان موسی و یوشع است و... می‌توان معنای ارائه شده را، یعنی ماهی معمولی یا مطلق ماهی از آیات جویا شد. واژه «نون» نیز در لغت به دو معنای خاص و عام به کار رفته است ولی در قرآن کریم، به معنای خاص نهنگ به کار رفته است.

#### ۴. موارد ذکر «حوت» در قرآن

خداوند در قرآن کریم، در موارد مختلفی، از ماهی سخن به میان آورده است:

۴-۱. آیه ۶۱ سوره کهف که ماهی توسط انبیای الهی، به عنوان چاشنی غذایی انتخاب شد.

۴-۲. آیه ۱۶۳ سوره اعراف که قوم بنی اسرائیل با ماهیان، مورد امتحان قرار گرفتند.  
۴-۳. آیه ۱۴۲ سوره صافات: «فَالْتَقَمَهُ الْخُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ»، که خداوند در آن، رازآموزی را به حضرت یونس آموختند؛ بدین معنا که یونس، با مرگ از حیات کمابیش نفسانی، در حیات سراسر روحانی گام گذاشتند. در همین راستاست که عرفا در تفسیر رمزی قصه یونس، «محنت» او را «امتحان» دوست دانسته‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

۴-۴. آیه ۴۸ سوره قلم: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ؛ اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی [یونس] مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت غم، خدا را خواند» که پیامبر اکرم (ص) را در مشابهت به حضرت یونس هشدار می‌دهند.

۴-۵. آیه ۸۷ سوره انبیا: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي

الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و ذالنون [یونس] را (به یاد آور) در آن زمان که غضبناک (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین گمان نمود که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرورفت)، در آن تاریکی‌ها (ی متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بر خود بودم!» حضرت یونس(ع) را به «نون» توصیف می‌کند.

## ۵. نماد حوت در ابعاد عرفانی و اخلاقی آن

در آیین اسلام و مسیحیت از حوت، به صور مختلف بهره گرفته شده است. در آیین مسیحیت، ماهی یکی از پربسامدترین نمادها به شمار می‌آید. در نمادپردازی مسیحیت، مسیح و پیروانش، به صورت ماهی نشان داده می‌شوند. ماهی، غذایی مقدس است که در عید محبت خورده می‌شده است (یونگ، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

بدیهی است گزینش ماهی در آیات یادشده بی حکمت نیست. به یقین، افزون بر اراده معنای ظاهری آن، معنای ماورایی هم از آن اراده شده است که به نوبه خود، بس مهم و حائز اهمیت است. طبق این نظر، می‌توان بیان داشت که کلمه حوت، نماد و حالت سمبولیک است که می‌خواهد تصویری از معانی معنوی و عرفانی برای مخاطب منتقل نماید (ر.ک: گلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴) حالا آن مقاصد چیست؟ بیان‌های متفاوتی را در این باره می‌توان اظهار داشت که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

### ۵-۱. «حوت»، نشانه عاشق صادق

ماهی برخلاف دیگر موجودات زنده، نشانگر کسی است که هیچ‌وقت از آب سیر نمی‌شود. اهل ایمان و باور نیز، از آب حقیقت و دریای رحمت الهی سیر نمی‌شوند. مولوی می‌گوید:

هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد

مولوی، ۱۳۷۸، دفتر اول، بخش ۱

از آیات قرآن برمی‌آید که یکی از ویژگی‌های بارز ماهی، روندگی و سیر و عشق و عاشقی است به طوری که هرگز از حرکت خسته نمی‌شود و رکود و قرار را به هیچ‌وجه

نمی‌پذیرد، لذا بی‌حرکی و تنبلی در او، مساوی با مرگ اوست. انسان عاشق نیز همواره به دنبال فنا و بقا در ذات لایزال الهی است و با کمترین جرقه‌ای، روشن شده و آتش می‌گیرد.

#### ۵-۱-۱. تحلیل ادله ادعا

ادعای اینکه ماهی نشانه و نماد عاشق راستگوست، دو فراز از آیات شریفه، یعنی آیات ۶۱ و ۶۳ سوره کهف به شرح ذیل است:

الف) قرآن کریم در ذیل آیه ۶۱، عبارت «... فَأَتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا» دارد. سرب (به فتح س- ر)، به معنای رفتن در سرازیر و نیز محل سرازیر است؛ چنان‌که راغب اصفهانی گفته است: «السَّارِبُ: الذَّاهِبُ فِي سَرَبِهِ أَيْ طَرِيقِهِ» گویی، یک نوع آسانی و راحت رفتن در آن ملحوظ است که سرازیری در معنی اولی آن قید شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۵) در قرآن کریم نیز سارب به معنای راه‌رونده به کار رفته است. خداوند در آیه «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخَفٌّ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ» (رعد: ۱۰) بیان می‌دارد که در علم خدا، آن‌که پنهانی سخن گوید و آن‌که آشکارا و آن‌که در شب پنهان می‌شود و در روز روشن راه می‌رود، مساوی است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۴۸).

کلمه «اتخاذ» و واژه «سرب» در این آیه شریفه، به دو نکته خیلی مهم اشاره دارد: ۱. حواس ماهی، فقط به راه خودش است و در آن، محض و متمرکز است. این، معنایش این است که عوامل بیرونی هرگز نمی‌توانند او را از توجه به حرکت و ادامه آن منع کرده و برای او، حواس پرتی ایجاد نمایند؛ ۲. ماهی از حرکت خود هم، حس لذت دارد؛ چراکه حس شناگری از حرکت خود دارد و معلوم است که حرکت مداوم، به نوبه خود ایجاد لذت می‌نماید؛ برخلاف حرکت رو به بالا که تولید زحمت برای رونده می‌کند (ستاری، ۱۳۷۹: ۷۵).

بنابراین، براساس دو خصوصیت بالا، ماهی دو پیام و درس مهمی را برای حضرت موسی و یوشع (ع) به تصویر کشیده است: یکی اینکه عاشق بایستی در عشق به

معنویت و ایمان، ممحض باشد و تحت الشعاع حواس پرتی‌های بیرونی نباشد و دوم اینکه عشق‌ورزی را حرکت در راه سرازیری بداند و از آن لذت ببرد. همان‌گونه که ماهی، از چنین خصوصیتی برخوردار است.

ب) قرآن کریم در ذیل آیه ۶۳ سوره کهف، عبارت «... وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا» دارد. این آیه شریفه نیز همانند آیه ۶۱ همین سوره، افزون بر دلالت بر عاشقی ماهی به لحاظ کلمه اتخاذ سبیل و بحر، دارای واژه «عجبا» است که به دو نکته مهمی دیگری اشاره می‌کند:

۱. اتخاذ مذکور به خاطر دلالت مفاد «عجبا» از چنان زیبایی‌ای برخوردار است که مایه شگفتی و تحیر هر بیننده‌ای گشته و از آن خوشش می‌آید؛ هرچند خود را در چنان سیری عاجز حس می‌کند.

۲. شگفتی و زیبایی این حرکت، تا آن اندازه‌ای هست که حتی انسانی مانند یوشع نبی (ع) را که خود عاشق بی‌قرار ایمان و معنویت است، به حیرت و حیرانی وامی‌دارد. این مقوله نشان می‌دهد که هر حرکت زیبا و مثبتی از انسان، باعث رضایت فرشتگان آسمانی و انبیای الهی است و در نتیجه، رضوان اکبر خداوند را به دنبال خود می‌آورد. ملاهادی سبزواری با اعتقاد بر اینکه ماهی، عارف کامل است، می‌گوید: «غیر ماهی، نشانگر کسانی است که چندان ظرفیتی ندارد و به اندک زمانی قانع و سیر می‌شوند» (سبزواری، ۱۳۷۴: ۲۶). همان‌طور که ماهی از شنا کردن سیر و خسته نمی‌شود، انسان عارف نیز، در سیر و سلوک عرفانی و شهودی که از عالم ملکوت و صحنه‌های ماورایی دارد، هیچ‌گاه خمودی و خستگی را حس نمی‌کند. به نظر مولوی، ماهی هیچ زمانی با آب، عاصی نمی‌شود؛ چراکه شنا با آب، در ذات و طبیعت ماهی هست:

پس کلوخ خشک در جو کی بود؟ ماهی با آب عاصی کی شود؟

(فروزانفر، ۱۳۷۹: ۸۵۹)

یعنی کلوخ خشک هیچ‌گاه نمی‌تواند از خود مقاومت نشان بدهد؛ لذا در نهایت آب حل می‌شود ولی این ماهی است که به دلیل عشق و علاقه به آب، همواره در دل

آب، به این سو و آن سو حرکت می‌کند. باز مولوی در جای دیگر، با اشاره به اینکه محل اصلی زندگی ماهیان و خاکیان، از هم متفاوت است و در نتیجه، از حیل و تدبیر در بین ماهیان خبری نیست، می‌گوید:

ماهیان را بحر نگذارند برون      خاکیان را بحر نگذارند درون  
اصل ماهی آب و حیوان از گل است      حیل و تدبیر اینجا باطل است  
(گوهری، ۱۳۶۲: ۴۹۴)

در قرآن نیز ماهی نمادی برای حرکت و سیروسلوک عارف شناخته می‌شود؛ به طوری که عارف از حرکت خود حس لذت نموده و از تمام تقلا و جولان خود هم سیر نمی‌گردد. در حقیقت، خداوند با ذکر حرکت لطیف ماهی در دریا، به انسان عارف متذکر می‌شود که سیر در قرب الهی، نه تنها خستگی ندارد بلکه کلی عشق و دل‌نوازی است.

## ۵-۲. ماهی، نشانه انسان کامل

ماهی در نظر ادیبان و شعرا، تصویرگر اولیای الهی‌اند؛ چراکه اولیای الهی به مانند ماهیان، بحر احدیت هستند. آنان اهل صفا و یکرنگ‌اند. با وحدت و اتحاد شنا می‌کنند گرچه در خشکی، هزاران رنگ وجود دارد. مولوی در این زمینه می‌نویسد:

هست قرآن، حال‌های انبیا      ماهیان بحر پاک کبریا  
(مولوی، ۱۳۷۸: ۷۴)

به عقیده مولوی، قرآن کریم توصیفگر احوال انبیاست؛ انبیایی که همانند ماهیان در دریای بی‌کران الهی به شنا مشغول‌اند.

همو در جای دیگر می‌سراید:

باز وقت صبح آن اللهیان      برزنند از بحر سر چون ماهیان  
(همان: ۸)

مقصود مولوی از اللهیان، اولیای الهی هستند که بسان ماهیان، در وقت صبح به تسبیح و تحمید الهی اشتغال دارند. آنان به دنبال آب فراوان، یعنی فرصت زیاد هستند تا

بتوانند با خداوند، زیادتر و عمیق‌تر و بهتر رازونیاز کنند.

بنابراین، انتخاب «حوت» توسط حضرت موسی و یوشع بن نون(ع) نیز، در واقع ارائه تصویری از حقیقت حال حضرت خضر(ع) برای آن دو حضرت، پیش از ملاقات است. همان‌طور که ماهی، بیرون از آب بی‌قرار است و همواره به دنبال وصل به معشوق خود، یعنی دریای بی‌کران الهی است.

## ۵-۲-۱. تحلیل ادله ادعا

دلیل این ادعا، برگشت دوباره حضرت موسی به همراه یوشع به نون(ع)، طبق آیه «قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَأَرْتَدَّ عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا» (موسی) گفت: آن همان چیزی بود که ما می‌خواستیم» سپس از همان راه برگشتند، درحالی‌که دنبال می‌کردند» (کهف: ۶۴)، به همان نقطه‌ای است که ماهی به دریا فرو رفته بود. کلمه «ذلک» در ظاهر به همان ماهی برگشت دارد ولی در واقع، اشاره به این دارد که ماهی بهانه است و ما باید به حقیقت آن که همان وجود شریف پیامبر(ص) باشد برسیم؛ چراکه ایشان حکایتگر انسانی از حقیقت ماهی هستند، لذا وقتی حضرت موسی به همراه یوشع(ع) خدمت آن حضرت می‌رسند، سلام می‌دهند ولی حضرت خضر(ع) به ایشان جواب می‌دهند که بر شما هم که نبی قوم بنی اسرائیل هستید، سلام باشد. حضرت موسی(ع) می‌پرسند: شما از کجا دانستید من، نبی خداوند بر بنی اسرائیل؟ حضرت خضر پاسخ می‌دهند: آن خدایی که مکان من را به شما نشان دادند، همان خدا جایگاه شما را نیز به من خبر دادند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۵۴). بنابراین، حضرت موسی(ع) به‌طور ناخودآگاه پی می‌برد که منشأ حیات را یافته و دوباره آن را از دست داده است و این الهام و اشراق قابل توجهی که باید در ادراک حضرت موسی(ع) به شمار آورده شود تا آن ماهی‌ای که قصد تناولش را داشته، نماد و محتوایی از ضمیر ناخودآگاه است که به‌وسیله آن، ارتباط با مبدأ بار دیگر برقرار می‌شود. اوست که مجدداً متولد شده و به زندگی نو چشم گشوده است (غباری بناب و نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۰).

ازسوی دیگر، تنبه حضرت یونس با حوت به دست خداوند براساس آیه «فَالْتَمَمَهُ

الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ (او را به دریا افکندند) و ماهی بزرگی او را بلعید، درحالی که سزاوار مذمت بود» (صافات: ۱۴۲)، هم گویای این حقیقت مهم است که ایشان نیز باید به مانند اوصاف نهنگ باشند؛ به این معنا که به جای ترک قوم خود، آن‌ها را به آغوش خود بگیرد و تا زمانی که آن‌ها پرورش و تزکیه نیافته‌اند، آن‌ها را رها نسازد. همان‌گونه که نهنگ، حضرت یونس را در مدتی مشخص (۳، ۷، ۲۰ و ۴۰ روز)، در دل خود نگه داشت و زمانی که حضرت به حد کافی تسبیحات خود را به درگاه الهی بیان داشت و پرورش یافت، او را دوباره به دنیا برگرداند تا همانند وی عمل نماید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸: ۷۱۶).

آری، خداوند می‌توانست حضرت را از طریق دیگری متنبه نماید ولی این حیوان را برگزید تا برای همهٔ انسان‌ها، از جمله جناب حضرت یونس خواست بفهماند که راه تربیت و تزکیه، به آغوش کشیدن و جذب نمودن است نه اینکه ناامید شدن از هدایت مردم و در نتیجه، رها ساختن آنان به حال خود است.

### ۵-۳. حوت نشانهٔ مأمور الهی

ازسوی دیگر و با نگاهی عمیق‌تر، «حوت» از طرف خداوند، برای انجام دو کار مهم برگزیده می‌شوند:

الف) در یک نوبت، مأمور می‌شود برای برگشت جناب موسی و یوشع(ع) به همان محلی که در آن برای استراحت نشسته بودند.

ب) در نوبتی دیگر هم مأمور می‌شود جناب یونس(ع) را به کام خود ببلعد تا ایشان به انسان کامل‌تری تبدیل شوند و با تجهیز قوای درونی، بهتر به ایفای مسئولیت خطیر ارشاد و هدایت مردم پردازند. اتفاقاً براساس یکی از احتمالات، حبس یونس در دل حوت، پیش از عهده‌داری وظیفهٔ خطیر رسالت الهی بود و این، به‌خاطر این بود که ایشان، آمادگی قلبی برای تحمل و صبر در وجود خود جهت هدایت مردم ایجاد نمایند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۶: ۳۵۶).

پیامبر الهی نیز از جانب خداوند مأمور می‌شوند که مردم را از دل بستن به تعلقات مادی رهایی داده و آن‌ها را به‌سوی خداوند و تقرب الی الله سوق بدهند تا بدین وسیله، روح آنان صیقل یافته و به‌مراتب برتر و کامل‌تر صعود یابد. برهان ادعای مذکور، همان آیاتی است که مفادشان دلالت دارند بر اینکه حوت، در دو نوبت مأموریت الهی را عهده‌دار می‌گردند.

از اینجا معلوم می‌شود که حوت و شخص پیامبر(ص) در وصف هدایتگری و مأمور بودن می‌توانند وحدت داشته باشند؛ چراکه موسی به پیشگاه الهی عرض کرد: من با کدامین علامت بدانم که به مجمع‌البحرین رسیده‌ام؟ از جانب خداوند پاسخ داده شد که حوتی با خودت برای سفر بردار. هرگاه آن حوت زنده شد، آنجا مجمع‌البحرین و محل ملاقات شما با حضرت خضر است (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۷۱).

بنابراین، وجود حوت می‌تواند نشانگر وظیفه‌اساسی، هم برای شخص پیامبر باشد و هم برای دیگران، و این واقعیت را حکایت بکند که همان‌طور که حوت از جانب خداوند به مأموریتی خاص و مهم برگزیده می‌شود، انسان سالک و کاملی مثل پیامبر نیز امکان دارد براساس خواست خداوند به مأموریتی ویژه انتخاب شوند.

اتفاقاً در کتاب *مثنوی معنوی*، جناب مولانا چنین مرقوم می‌دارد: «در حکایات کرامت‌های درویشی که در کشتی، متهم به دزدی کردند، یک ماهی به‌صورت مأمور الهی خودنمایی می‌کند. بدین ترتیب که پس از رازونیز درویش به‌سوی خداوند به‌دلیل اتهام دزدی که به ایشان زده بودند، هزاران ماهی که مأمور الهی بودند هریک سوزنی از طلا به دهان سر ز آب بالا آمدند و گفتند: بگیرد ای شیخ! این، سوزن شماس است. شیخ رو به امیر کرده، گفت: این سلطنت و حکومت عظمای الهی، بهتر است که سلطنت دل است یا ملک ناچیز دنیا؟» (ر.ک: گلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). مولوی، داستان فوق را این‌چنین به نظم کشیده است:

|                           |                            |
|---------------------------|----------------------------|
| شیخ سوزن زود در دریا فگند | خواست سوزن را به آواز بلند |
| صد هزاران ماهی الهی       | سوزن زر در لب هر ماهی      |

سر برآوردند از دریای حق که بگیر ای شیخ سوزن‌های حق  
(مولوی، ۱۳۷۸: ۳۲۷)

#### ۴-۵. حوت نشانه انسان‌های بهشتی

ماهی برخلاف مار، هیچ‌وقت زمین را مأوا و خانه خود قرار نمی‌دهد؛ چراکه بدان دل نبسته و بدان وابسته نیست؛ لکن مار، نماد انسان خاکی و زمینی است. حوتی که در داستان جناب خضر و یوشع به‌عنوان چاشنی غذایی برگزیده شده است و با ادنی بهانه‌ای، زنده شده و دل به دریا و آب می‌زند یا آن حوتی که ازطرف خداوند مأمور به بلعیدن جناب یونس در شک خود می‌گردد و در داخل آب و فضای لطیف و نرمی، جان یونس را نگه می‌دارد بدون اینکه طبق روایات، استخوان‌های او را خرد کند یا گوشت وی را در خود هضم نماید (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ۱۵: ۱۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۱۳۷).

برهان بر این ادعا، این است: همان‌گونه که ماهی نماد انسان بهشتی است، انسان بهشتی هم، برای ورود به جنت با آب کوثر پاک می‌شود؛ همچنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَخُلُوا أُسُورَ مِنْ فَضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا: بر بدن‌های آن‌ها [بهشتیان] البسه‌ای است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره زینت داده شده‌اند، و پروردگار آن‌ها، شراب طهور به آنان می‌نوشاند» (انسان: ۲۱). این شراب پاک، ممکن است نوشابه نهر کوثر باشد که خداوند آن را به دست رسولش و امیرالمؤمنین (ع) به اهل بهشت ارزانی خواهد نمود تا آنان را از هر عیب و پلیدی پاک کند (امین، ۱۳۶۱: ۳۱۱).

در جایی از مثنوی، این مطلب مهم را می‌خوانیم که پیامبری در اثبات ادعای پیامبری، خودش را به ماهی نظیر می‌کند؛ چراکه همانند ماهی، خانه و هم‌صحبتی بر روی زمین ندارد.

نه مرا خانه‌ست و نه یک هم‌نشین خانه کی کرده‌ست ماهی در زمین  
(مولوی، ۱۳۷۸: ۸۱۰)

همچنین در جایی دیگر می‌نویسد: ماهی، نماد انسانی است که به‌سوی حقیقت رهسپار است و بی‌تردید جایگاه چنین انسانی، بهشت خواهد بود. که بهشتی کیست و بیگانه کی است پیش من پیدا چو مار و ماهی است (همان: ۱۶۲)

#### ۵-۵. حوت نشانهٔ مهربانی و انعطاف‌پذیری

حوت از طرف خداوند، به این جهت برای راه سفر برگزیده شد که ظاهر و باطنش، لطیف است و نرم. هیچ ماهی غیرلطیفی را در دریا و آب نتوان یافت. ماهی، ازجمله موجوداتی است که در کنار حیات فردی، از حیات اجتماعی هم برخوردار است. ماهیان به‌طور معمول در مقابل دشمن، انسجام و اتحادی خاص دارند. آن‌ها به‌صورت واحد و سریع در مقابل دشمن ظاهر می‌شوند. در ماهیان، این خصوصیت وجود دارد که در صورتی که ماهی دیگری در بین باشد، خودشان را به او ملحق می‌کنند و جمع را بر زندگی تنها ترجیح می‌دهند. از طرف دیگر، ماهی به‌راحتی بدن خود را در مقابل نوع حرکت آب با تمام قدرت، سرعت و دقت، انعطاف از خود نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که نه استخوانش خورد می‌شود و نه به بدنش، آسیبی وارد می‌شود.

انتخاب ماهی به‌جای حیوانات دیگر، گویای رساندن این پیام‌ها به حامل ماهی در جریان سفر موسی و یوشع (ع) و نیز برای مخاطبان و مستمعین است که آن‌ها نیز باید از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشند.

اتفاقاً حیات فردی و جمعی پیامبران، گویای وحدت رویهٔ حیات بین ماهی و آن حضرات است. بنابراین، امر خداوند به برداشتن چنین حیوانی، در واقع رساندن این پیام به شخص موسی و یوشع بود که آنان هم، باید بسان ماهی در حیات فردی و اجتماعی، مهرورز و مهر گستر باشند تا توجه دیگران را به لطافت و سلامت مسیر الهی جلب نماید؛ خصوصیتی که در حیات همهٔ پیامبران به‌صورت برجسته قابل مشاهده است. چنان‌که مشاهده می‌کنیم خود حضرت موسی (ع) باینکه قوم بنی‌اسرائیل از لجوج‌ترین مردمان روی زمین در برابر دعوت پیامبر به شمار می‌رفتند، در مقابل آن‌ها

تحمل‌پذیر بود و انعطاف کامل داشت.

همین‌طور پیامبر گرامی اسلام (ص) نمونه کامل حقیقت مهر است؛ چراکه خداوند در آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (برکت) مهر الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پخش می‌شدند. پس آن‌ها را عفو کن و برای آن‌ها آمرزش بطلب و در کارها با آنان مشاوری کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند انسان‌های متوکل را دوست دارد» (آل عمران: ۱۵۹) از مهربانی حضرت محمد (ص) و خودداری ایشان از خشونت زبانی (فظ) و خشونت عملی (غلیظ القلب) در سایه لطف و رحمت خداوند خبر می‌دهد تا نقش مهر و عطوفت را در فرایند میل و جلب مردم به دین اسلام برجسته نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۴۱).

از طرف دیگر، خداوند می‌خواست به مخاطبان و مردمان فاسد بفهماند که نکند کسی از روحیه لطیف پیامبر سوءاستفاده نموده و در مقام ستمگری بر ایشان یا بر پیروان وی بریاید؛ لذا براساس آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (محمد (ص) فرستاده خداوند است و افرادی که با او هستند در برابر کفار، سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند...) (فتح: ۲۹) بیان داشت که پیامبر آنان از ناحیه خداوند در مقابل ستمگران، نامهربان و اشداء است و در عین حال غلظت مذکور هم موجب نمی‌شود مؤمنین نسبت به هم مسلکان خود، عطف نباشند. اجتماع دو صفت متضاد در مؤمنین، از ویژگی‌های خاص پیامبر (ص) و پیروان ایشان است که خداوند به آن‌ها ارزانی داشته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۲۹۹).

به همین دلیل است که خداوند در وقتی که به پیامبرش در آیه «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» و بال و پر خود را برای انسان‌های مؤمنی که از تو تبعیت می‌کنند بگستر» (شعراء: ۲۱۵)، با استعاره از خفص جناح طائر، مهرورزی نسبت به

تابعان را سفارش می‌نماید، قید مؤمنین را اضافه می‌کند تا این‌گونه تلقی نشود که عطوفت پیامبر(ص)، بی‌حساب و کتاب است و یا از روی خوف و نیاز است چون‌که تبعیت تابعان از ایشان، همیشه به‌خاطر دین نبود بلکه به‌دلیل نسب و قرابت هم بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴: ۵۳۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۵۱). شاهد بر این ادعا، آیه بعدی است که بیان می‌کند پس از آنکه تو نزدیکان خود را دعوت به ایمان نمودی و مخالفت نمودند، بگو: من بیزاری می‌جویم از آن اعمال بد شما مثل بت‌پرستی و خیانت و ظلم و غیر این‌ها از اعمال رکیک شما (امین، ۱۳۶۱، ج ۹: ۲۹۴).

#### ۵-۶. حوت نشانه تلاش معنوی و پیروزی نهایی

«حوت» در قرآن کریم، تنها حیوانی است که بر تحمل دوری از معشوق، یعنی دریا و تلاش برای نیل به آن و درنهایت، به آغوش کشیدن پیروزی معرفی گردیده است. حوت در زمان بنی‌اسرائیل در دو نوبت مختلف، گرفتار مشکلات می‌شود: یک نوبت، در زمانی که توسط موسی و یوشع از دریا جدا افتاده بود و توسط آنان نمک زده یا بریان شده بود ولی عاقبت توانست دوباره دل به دریا بزند و خودش را به آب برساند که تنها وسیله زندگی او بود. نوبت دیگر، در مقطعی دیگر از حیات بنی‌اسرائیل است که از ناحیه خداوند، امر به عبادت در روز شنبه‌ها می‌شوند ولی به‌جای عبادت، به صید ماهیانی که روی آب پی‌درپی ظاهر بودند، به کار مشغول شده و از فرمان الهی تمرد می‌نمایند. آن‌ها با این کارشان، باعث دوری ماهیان از دریا گردیدند.

ماهیان در هر دو نوبت، بر اثر وفاداری به وظیفه، به رشد و تکامل می‌رسند، خواه در آن زمانی که نمک یا بریانی را متحمل می‌گردند یا در آن وقتی که از دریای پر آب به کانال کم‌عمق سرازیر می‌شوند. خداوند در آیه «وَسَأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ و از آن‌ها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود سؤال کن! زمانی که آن‌ها در روزهای شنبه، نافرمانی خدا می‌کردند، همان زمان که ماهیان‌شان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب) آشکار

می شدند؛ اما در غیر روز شنبه، به سراغ آن‌ها نمی آمدند؛ این چنین آن‌ها را به چیزی امتحان کردیم که تمرّد می کردند!» (اعراف: ۱۶۳) بیان می دارد که ماهیان به دستور خداوند از آب فراوان دل کنند و گرفتار صید قوم بنی اسرائیل گشتند ولی خداوند، صورت آن قوم نافرمان را در عین بقای ماهیت انسانی، به میمونی با مسخ واقعی تبدیل نمود که همواره، مطرود رحمت الهی گشتند و در نتیجه، بعد از چند روز، به درک واصل شدند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۲).

آری، پیامبران و اولیای الهی نیز همچون ماهیان در برابر مخالفت مخالفان، درست است که گرفتار مشکلات و سختی‌های طاقت فرسا می شوند ولی عاقبت، پیروزی با آن‌هاست؛ چراکه پایداری و ماندگاری حق روی زمین طبق آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل از بین رفتنی است! (اسراء: ۸۱) در عین انواع توطئه‌های دشمنان، نشانه پیروزی آنان و پیشرفت آن‌ها در کارشان است؛ چراکه مقاومت و استقامت پیامبران در مقابل سختی‌ها بسان ماهیان، از طرفی موجب رشد و تکامل روحی خود پیامبر و پیروان ایشان و از طرف دیگر، باعث غلبه و فائق آمدن حرکت و تلاش، یعنی اسلام و دین و وضوح حق بر سکون و تنبلی، یعنی کفر و شرک و خفای باطل در حیات انسانی می گردد (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۲: ۳۶۵؛ ابن جوزی، ۴۲۲ق، ج ۳: ۴۹).

## ۶. نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، معلوم گردید که اولاً در آیین اسلام و مسیحیت از حوت، به صورت مختلف بهره گرفته شده است. در دین اسلام نیز همچون دین مسیحیت، ماهی یکی از پربسامدترین نمادها به شمار می آید؛ ثانیاً واژه «حوت» یا کلماتی همچون حیتان و نون در آیات قرآن، به طور کلی نماد واکاوی و معرفت خویشتن خویش است. بازگشت به ضمیر ناخودآگاه و حیات روحانی از حیات نفسانی و مادیات خود است که می توان آن را در قصص حضرات موسی، خضر و یونس به خوبی مجسم نمود. از این رو، کلمه «حوت» در داستان‌های حضرت یونس، حضرت موسی و خضر(ع)، در حقیقت

تصویری از عاشقان صادق است و از طرفی، نشانه روح و جان یا انسان کامل. افزون بر این‌ها، نشانگر مأمور و مشیت الهی در زندگی بشر است. همین‌طور حوت گویای انسان بهشتی و عارف دل‌سوخته روی زمین است. همان‌گونه که مهربانی و انعطاف‌پذیری انسان، در حیات زودگذر دنیوی را به نمایش می‌گذارد و درنهایت، نماد تلاش بی‌وقفه معنوی و پیروزی نهایی اعتقاد و روح و رفتار حق بر باطل در ابعاد مختلف زندگی است و بالاخره، واژگان حوت و نون، این پیام را به انسان منتقل می‌نماید که برای نیل به سعادت و حقیقت، همچون ماهی بایستی دل به دریا بست و از رنگارنگ‌های مختلف عالم خاکی رهایی یافت و همواره دگرذیسی و نوزایی را لازمه حیات انسانی به شمار آورد.

## منابع

قرآن کریم. (۱۳۷۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: انتشارات نسل جوان.  
 نهج البلاغه. (۱۳۷۹ش). ترجمه فیض الاسلام اصفهانی. تهران: چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.  
 ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: نشر دارالکتب العربی.  
 ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
 امین، سیده نصرت. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان فی تفسیر القرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.  
 آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *تفسیر روح المعانی*. بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.  
 بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.  
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: نشر دارالعلم.  
 رشیدی، هدایت. (۱۳۹۲). *نمادهای جاندار در قرآن*. نشریه مطالعات اسلامی علوم و قرآن و حدیث، ۴۵(۹۰).

زبیدی، محمدمرتضی. (بی‌تا). *تاج العروس*. بیروت: نشر المکتبه العلمیه.  
 زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). *بحر در کوزه، نقد و تفسیر قصه‌ها و تمثیلات مثنوی*. تهران: نشر علمی.

زمانی، کریم. (۱۳۸۶). *شرح جامع مثنوی*. تهران: اطلاعات.  
 سبزواری، ملاحادی. (۱۳۷۴). *شرح مثنوی مولوی*. تصحیح مصطفی بروجردی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.

- ستاری، جلال. (۱۳۷۹). پژوهشی در قصه یونس و ماهی. تهران: انتشارات نشر مرکز.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر. (۱۴۰۸ق). بیان السعادة فی مقامات العبادة. بیروت: نشر مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی. بیروت: نشر دارالفکر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). تفسیر المیزان. بیروت: نشر مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). تفسیر مجمع البیان. تهران: نشر ناصرخسرو.
- غباری بناب، باقر و نصرتی، فاطمه. (۱۳۹۷). مطالعه روان انسان در پرتو داستان‌ها و آیات قرآن. دهمین کنگره بین‌المللی فدراسیون آسیایی شورای جهانی روان درمانی خانواده‌محور.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۰ق). العین. قم: نشر اسوه.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۷۹). شرح مثنوی شریف. تهران: زوار.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۹۷). المصباح المنیر. تهران: نشر دارالهجرة.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: نشر بعثت.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: نشر ناصرخسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۲۰۰۰). لطائف الاشارات. قاهره: نشر الهيئة المصرية.
- گرامی، سید محمد هادی. (۱۳۹۸). بازیابی و بررسی پی‌رفت‌های قصه یونس و ماهی براساس قرآن و روایات اسلامی. نشریه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۴، ۴۵-۶۰.
- گلی‌زاده، پروین، ابراهیمی، مختار و سعادت، افسانه. (۱۳۹۴). تحلیل ماهی، یک نماد معنوی در مثنوی مولوی. مجله زیبایی‌شناسی ادبی، ۶(۲۵)، ۱۶۷-۱۸۷.
- گوهرین، سید صادق. (۱۳۶۲). فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی. تهران: کتاب‌فروشی زوار.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۸). مثنوی. تهران: نشر محمد.
- نیکوئی، مژگان، فوجه‌زاده، علیرضا، خدادادی، معصومه، و کاکاوند، فاطمه. (۱۳۹۸). تطبیق مفهومی نماد ماهی در اساطیر، قرآن و مثنوی معنوی و کاربرد آن در آثار هنری. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۶)، ۲۵۹-۲۷۸.
- همتی، عاطفه. (۱۴۰۰). ماهی و قرآن. کنگره ملی غذای حلال.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۲). انسان امروزی در جستجوی روح خود. ترجمه فریدون فرامرزی و لایلا فرامرزی. مشهد: به‌شهر.